

نگاهی به شعر عربی شیعی در خوزستان

اثر: دکتر عباس پورعباسی

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی آبادان

(از ص ۷۳ تا ۸۶)

چکیده:

در این نگاه، گذری بر گذشته خوزستان و موقعیت حساس جغرافیایی آن نمودیم و آن را گذرگاه شرق و غرب امپراتوری عظیم اسلامی در قرون اولیه اسلامی یافتیم، این موقعیت پراهمیت بر فرهنگ و ادب خوزستان تأثیر فراوان داشته و شعر عربی شیعی را بسیار غنی ساخته است. علاوه بر این، گسترش مذهب تشیع در ایران و عراق و در نتیجه در خوزستان، فضایی مناسب برای شعر عربی شیعی به وجود آورده است و شاعران خوزستانی که غالباً از طبقه علما بوده‌اند در سوز و گداز عشق و ولای اهل بیت (ع) عَلم دفاع برافراشتند و شعرشان را از حدود خوزستان به سایر کشورهای همسایه رساندند. در این مقاله علاوه بر شرح عوامل نهضت ادبی که از قرن دهم هجری قمری آغاز شد، شعر را مورد نقد و بررسی قرار داده، ویژگیها و سبکهای آن را بیان نموده‌ایم، و از ذکر نام طلایه‌داران و نخبگان شعر غافل نبوده‌ایم. در خاتمه مقاله، از استادان ارجمند و محققان محترم تقاضا داریم که علاقه‌مندان به تحقیق در ادب اهل بیت (ع) را به سوی ادب شیعی خوزستان هدایت فرمایند.

واژه‌های کلیدی: تشیع، خوزستان، شعر.

مقدمه:

از قرن ۱۰-۱۲ ه.ق، خوزستان سرزمینی است که از موقعیت جغرافیایی حسّاسی برخوردار بوده و عوامل بسیاری بر این اهمیت افزوده است. از جمله خوزستان به مثابه پل ارتباطی بین قاره‌های آسیا، آفریقا و اروپا بوده و کوتاهترین راه بین دریای مدیترانه و اقیانوس هند است.

خوزستان به دریا راه دارد و رودخانه بزرگ کارون در داخل شهر اهواز تا ۶۰ سال پیش قابل کشتیرانی بوده است. راههای زمینی خوزستان در قرون اولیه اسلامی به منزله گذرگاهی بین شرق و غرب امپراتوری گسترده اسلامی به شمار می‌رفت.

بدیهی است، کاروانها و کشتیهای حامل کالاهای بازرگانی، فرهنگ و تمدن ملت‌های دیگر را با خود حمل می‌نمود و در نتیجه بر تحول علوم و فرهنگ و ادب خوزستان تأثیر مستقیم می‌گذاشت، تا جایی که کثرت علما و ادبای خوزستان در اماکن متعددی چون اهواز، شوشتر، هویزه، رامهرمز، دورق (شادگان)، عبادان (آبادان) در قرن دوم تا حمله مغول به خوزستان در سال ۶۵۶ ه.ق شگفت‌انگیز جلوه می‌کند.

از جمله این دانشمندان و ادبا که به خوزستان منتسب شده‌اند، می‌توان به خاندان سهل اهوازی، خاندان نوبخت اهوازی و دانشمندان و شاعرانی چون، ابوالقاسم زجاجی صاحب کتاب الجمل، ابراهیم صولی، أخیطل اهوازی، ابونؤاس اهوازی، ابوالقاسم تنوخی، ابویوسف یعقوب ابن سگّیت دورقی، ابوالعیناء اهوازی، عکاشه عمّی، شیخ الصوفیه سهل بن عبدا... تستری، عبدالواحد بن زید عبادانی (اولین رباط زهد را در آبادان ساخت)، شیخ حسن رامهرمزی، شیخ حمید ایدجی و ابو هلال عسکری اشاره نمود.

شهرت خوزستان و شهرهای آن به جایی رسید که دانشمندانی چون سیبویه و شاعرانی چون سید حمیری و صوفی مشهوری چون حسین بن منصور حلاج نیز به آن منتسب شوند.

با هجوم بوقاتیمار؛ فرمانده سپاه هولاکو خان به خوزستان در سال ۶۵۶ ه. ق، سرنوشت این بقعه با دیگر بلاد تحت اشغال مغولها پیوند خورد و این بلای آسمانی - به تعبیر چنگیز خان - مدت قریب به دو قرن سپاه بر این سرزمین سایه افکند و علم و ادب دچار ضعف و رکود سختی شد، دکتر عباس عزّاوی می نویسد: «گویی فرهنگ و ادب از میان رفت... برای مثال، نمونه‌ای هر چند ناچیز که مناسب بیان مطلب باشد نمی‌یابیم».

ستاره علم و ادب در این دو قرن سقوط همچنان در حال افول بود تا اینکه اواسط قرن نهم هجری قمری شرایطی به وجود آمد که مذهب تشیع در خوزستان گسترش و استحکام یافت.

گسترش تشیع و نهضت علمی و ادبی در خوزستان

مذهب تشیع از نیمه اول قرن نهم هجری در ایران و عراق بالا گرفت. خاندان صفوی برای انتشار و گسترش مذهب شیعه اثنی عشری مبارزه گسترده‌ای آغاز کردند که منتهی به روی کار آمدن این سلسله گردید و در نتیجه اسماعیل صفوی در سال ۹۰۷ ه. ق تاجگذاری و مذهب شیعه اثنی عشری را مذهب رسمی ایران اعلام نمودند.

از سوی دیگر در عراق میرزا اسپند ترکمانی در سال ۸۳۸ ه. ق بر بغداد تسلط یافت. وی چنان شیعی متعصبی بود که به پیروی از سلطان محمد خدا بنده که علامه حلی را به سلطانیه خواند و میان او علمای اهل سنت مناظره‌ای برقرار نمود، میرزا اسپند نیز، شیخ احمد ابن فهد حلی (استاد سید محمد مشعشی) را از شهر حله به بغداد خواند و او را به مناظره با اهل سنت برانگیخت. همچنین به پیروی از سلطان محمد خدا بنده به نام ۱۲ امام (ع) سکه زد.

در چنین شرایطی، سید محمد بن فلاح موسوی مشعشی که منتسب به حضرت امام موسی کاظم (ع) بوده. و به مذهب شیعه تعصب فراوان داشت و در

مدرسه شرعیۀ شیخ احمد بن فهد حلّی دانشمند شیعی مذهب، از طلاب زیده و مورد نوازش شیخ احمد بود و از او اجازه تدریس دریافت کرده و در سیاست و کیاست و امور نظامی تجربه‌ها کسب نموده بود، در خوزستان ظهور کرد. و در سایه تبلیغات مذهب تشیع در خوزستان به قدرت رسید.

به این ترتیب، مذهب تشیع در منطقه انتشار و استحکام یافت.

نهضت علمی و عوامل آن

همان گونه که اشاره شد، فضای مذهبی سیاسی منطقه و رقابت درگسترش مذهب تشیع، زمینه را برای رشد علم و ادب مهیا ساخت، به طوری که در پایان قرن نهم ه.ق آثار و ثمرات این نهضت آشکار گردید.

از جمله عوامل مؤثر در نهضت علمی و ادبی در خوزستان، می‌توان به عوامل زیر اشاره نمود:

۱- عقیده تشیع: عشق به اهل بیت در میان مردم خوزستان، از ویژگیهای این دوره و عامل بسیار مؤثری در حرکت فکری و علمی بوده است.

۲- رقابت: بین چند خاندان قدرتمند در خوزستان از قبیل خاندان مشعشع، جزایری و مرعشی از یک سو و از سوی دیگر رقابت بین حکام خوزستان و عراق و حکومت مرکزی ایران که همگی مدعی تشیع و پیشرفت آن بوده‌اند، باعث جهش علمی و ادبی گردید.

۳- زبان علمی و ادبی در خوزستان: در این مرحله زبان عربی بوده و با توجه به اینکه علما و ادبای خوزستان همگی بر دقایق و ظرافتهای این زبان مسلط بوده‌اند لذا آثار ارزنده‌ای به زبان عربی در نظم و نثر به وجود آوردند.

۴- رابطه علما و طالبان علم و ادب با نجف اشرف: که در این دوره مرکز مهمی در علم و ادب بوده است.

۵- رابطه علما و ادبای خوزستان با علما و ادبای اصفهان: تحصیل بسیاری از فرزندان حکام و بزرگان خوزستان در اصفهان از جمله سید خلف مشعشی و سید نعمه... جزایری شاگرد علامه مجلسی و ملامحسن فیض کاشانی و شیخ حرّ عاملی بوده‌اند.

از این حرکت علمی و کثرت مدارس و مؤسسات علمی و ظهور علما و مدرسان خبره و دانشمندان و ادبای زنده چون سید نعمه... جزایری (ف ۱۱۱۲ ه.ق) و فرزندان او، سید مؤمن جزایری معروف به حکیم جزایری، شیخ عبداللطیف بن علی حویزی (ف ۱۰۵۰ ه.ق) شیخ عبدالعلی بن جمعه عروسی (ف ۱۰۴۰ ه.ق) صاحب تفسیر نورالثقلین، شیخ محیی الدین بن حسین جامعی عاملی (۱۱۱۹ ه.ق) و سیدعلی بن بالیل موسوی (ف ۱۱۰۰ ه.ق) و دیگر عالمان و ادیبان، و طلاب و دانشجویان برجسته، یک نظام آموزشی متحوّلی به دست آمد که تقریباً به نظام آموزشی معاصر نزدیک بوده است.

شعر و شاعران:

اگر چه شعر نسبت به نثر در این دوره از موقعیت کمتری برخوردار بود و تعداد علما بیش از شعرا بوده است، در عین حال شعر عربی متعهد شیعی همگام با تألیفات علمی که غالباً در زمینه فقه، منطق، صرف و نحو عربی و بلاغت بوده است، پیش رفته و شاعران برجسته‌ای در خوزستان ظهور کردند که شاخص‌ترین ویژگی شعرشان تعهد به اهل بیت و دفاع از حق آنان بوده است.

از جمله این شاعرانی که شعرشان سرشار از سوز و گداز در عشق به خاندان عصمت و طهارات است، سید خلف بن عبدالمطلب حویزی (ف ۱۰۷۴ ه.ق)

سید عبدالوهاب بن خلف مشعشی (ف بعد از سال ۱۰۰۰ ه.ق)، سید علی خان بن خلف مشعشی (ف ۱۰۸۸ ه.ق)، که صاحب کتاب امل الامل او را امیری ادیب و عالمی فاضل معرفی نموده است. همچنین عبدالعلی بن ناصر حویزی (ف ۱۰۷۵ ه.ق) عالمی آگاه به علوم عربیة و عروض و از شاعران بزرگ عصر خویش بوده است، این شاعر شیفته بدیع و صنایع بدیعی بوده است. از دیگر شاعران برجسته این دوره، سید شهاب الدین موسوی معروف به ابومعتوق است که متأسفانه دیوان او اشتباهاً زیر عنوان «دیوان ابن معتوق» چاپ شده است، و فرزندش معتوق آن را گردآوری نموده است و در سال ۱۲۷۱ ه.ق در مصر منتشر گردید.

از شاعران دیگر این دوره، سید فرج ا... تستری (ت ۱۱۲۸ ه.ق)، سید معتوق بن سید شهاب الدین موسوی (ت ۱۱۱۶ ه.ق)، سید محمد بن مؤمن معروف به حکیم جزایری (ف ۱۱۳۰ ه.ق)، شیخ محیی الدین بن حسین جامعی عاملی (ف ۱۱۱۹ ه.ق)، شیخ فتح ا... بن علوان کعبی (ف ۱۱۳۰ ه.ق)، فرج ا... بن محمد بن درویش حویزی، احمد بن خلف بن مطلب مشعشی، سید علی ابن بالیل موسوی دورقی (ف ۱۱۰۰) و چندین شاعر دیگر را می توان نام برد. از سید علی ابن بالیل موسوی، دیوان شعری به نام «قلائد الغید» اخیراً به چاپ رسیده است که دربردارنده هفت قصیده و ۱۵۳ بند از بنود معروف وی می باشد.

ویژگی های شعر:

شاعران عربی گوی خوزستان در قرنهای دهم تا دوازدهم هجری قمری را می توان به دو گروه تقسیم نمود؛ گروهی شعر خویش را از آرایه های بدیعی و پدیده های شهرزدگی دوره عباسی و مابعد آن دور نگه داشته اند، و ما آنان را طرفدار سبک سهل ممتنع مطبوع دانستیم و از میان آنان می توان علی خان ابن خلف مشعشی را نام برد که شعر او از سهولت معنی و جزالت الفاظ برخوردار است. نمونه ای از شعر او را که در مدح حضرت پیامبر «ص» است می آوریم.

نَبِيٍّ عِلَّتْ عَلِيَا قَرِيشَ بِفَضْلِهِ وَ دَانَتْ لَهُ يَوْمَ الْفَخَارِ الْقَبَائِلُ
وَزَادَتْ بِهِ طَبِيباً عَلَى الْمَلِكِ طَبِيبَةً وَ فَاخَرَتْ الشَّهْبَ الْحَصَى وَ الْجَنَادِلُ
وَ ابْنَاؤُهُ الْإِطْهَارُ وَ السَّادَةُ الْإِلَى أَقْرَأَ لَهُمْ بِالْفَضْلِ حَافٍ وَ نَاعِلُ
مِيَامِينَ يَسْتَهْدِي الْإِنَامُ بِنُورِهِمْ
كَأَنَّهُمْ لِلْحَاضِرِينَ مَشَاعِلُ...

یعنی:

او پیامبری است که قریش با فضل او به بزرگی رسید و همه قبایل در برابر عظمت او سر فرود آوردند.

شهر مدینه منوره در پاکی و عظمت بر همه ملک جهان سبقت یافت و سنگهای آن بر ستارگان آسمان بالیدند.

و فرزندان پاک و سروران او که همه مردم به فضل آنان اقرار نمودند.

مبارک فرزندانی هستند که مردم از نور آنان هدایت می جویند و چون مشعلهای فروزانی هستند که مردم سرگردان به وسیله آنها راهجویی می کنند.

گروهی دیگر شاعرانی هستند که به صنعت بدیع و تکلف تمایل داشته و بعضی از آنان شیفته این صناعت بوده اند. از جمله این شاعران، عبدالعلی ابن رحمت حویزی و سید شهاب الدین موسوی را می توان نام برد.

شعر زیر، نمونه ای از سبک سید شهاب الدین موسوی است که خشنودی و لذت خویش را از صنعت بدیع این گونه بیان می کند:

وَاسْتَجَلْ دُرَّ قَرِيضٍ كَادَ فِي حِكْمِ
نَظْمِ الْبَدِيعِ بَيَانُ الْمَرْءِ يَسْحَرُهُ

یعنی: مروارید شعر پندآموزی که مرصع به بدیع است و با بیانی زیبا شخص را مسحور می سازد، کشف کن.

اما ویژگیهای عمومی شعر این دوره را می توان به شرح زیر آورد:

۱- سوز و گداز در عشق به اهل بیت: بارزترین ویژگی شعر عربی خوزستان است.

۲- عفت و پاکی در لفظ و معنی: پس از مطالعه بسیاری از شعر این دوره، هیچ اثری از هجا یا الفاظ مستهجن مشاهده نمودیم و حتی غزل آنان را نیز از نوع غزل پاک و غالباً عرفانی یافتیم.

شاعر معروف این دوره سید علی خان بن خلف در مورد شعر خود چنین می‌گوید:

«...و انت اذا نظرت الى شعری رأيت اقلبه بل كله منزه عن رذائل الحضريين، متحلياً بحلية البدويين لم يدنس بتشبيب الغلمان، و لم يلوث برجس الدنان، و اضربت عن وصف البساتين و إن حسنت لملازمتها آلات الطرب الملازمة لماتعلم من الادناس و لم ينال [يُنال] من عرضي بين الناس، فتركْتُ وصف وردها و جلنارها و اخذتُ في نعت خزامى البادية و عرارها...»

یعنی: چون به شعر من نگری، غالب آن بل همه آن را از آلودگیهای شهریان پالوده بینی و به زیور بدویان آراسته یابی، نه به تغزل در ذکور و نه به رجس و گناه خمره‌های شراب آلوده، از وصف باغ و بستان و آلات طرب که ملازم آنهاست و دانی که چه آلودگیها آنجاست، دوری جستم، پس شرف من بین مردم مصون ماند، لذا از وصف گل و گلنار روی تابیدم و شعرم را از ختمی‌های بادیه و عرار آن تنیدم...»

۳- بهره‌گیری از شعر گذشتگان: شاعران این دوره از شعر دوره‌های پیش از انحطاط مایه گرفته و از معانی و الفاظ آن به عاریه برده‌اند. نمونه این بهره‌گیری را در بیت زیر از سید علی بن خلف مشاهده می‌کنیم که از اعشی گرفته است.

اعشی گفته است:

ودع هريرة انّ الرّكب مرتحل
و هل تطيق و داعاً ايّها الرّجل
و سيّد علی گفته است:

ودع فؤادك ان الرّكب مرتحل
غداً تسير به الوحادة الدّلل

یعنی: با قلب خویش وداع کن که کاروان آماده حرکت است و فردا یار تورا بر پشت شتران تیزپای رهرو می برد.

و یا این استعاره معنی را که سیّد شهاب الدین موسوی از متنبی گرفته است، بنگریم. متنبی:

انام ملا جفونی عن شواردها
و يسهر الخلق جراحها و يختصم

یعنی: من با خیالی آسوده می خوابم و نگران کلمات دور از ذهن شعر نیستم، زیرا هر لحظه که اراده کنم به دست می آورم، در حالی که دیگر شاعران برای به دست آوردن آن به رنج می افتند و به یکدیگر می تازند.

سیّد شهاب:

انا الهادی اذا الشعراء هاموا
بوادى الشعر فى ليل الضلال

۴- امثال و حکم: شاعران خوزستانی غالباً از میان عالمان و روحانیان بوده و سخنانشان سرشار از موعظه و اندرز است.

سیّد مؤمن جزایری:

و لا تفرح و لا تحزن لشيء
فلا فرح يدوم و لا خطوب

و بیت زیر نیز از همین دانشمند است:

أَنْظُرْ إِلَى صَنْعِ النَّخِيلِ فَإِنَّهَا
تُرْمَى الْحِجَارَةَ وَهِيَ تَرْمِي بِالزُّطْبِ

۵- صنعت بدیع و تکلف: بعضی از شاعران تا حد تکلف به صنعت بدیع تمایل داشته‌اند چنانچه از عبدالعلی بن رحمت می‌خوانیم:

قَامَ يَجْلُوهَا وَفِي الْأَجْفَانِ غَمَضُ وَالنَّدَامَى نَوْمَ بَعْضٍ وَبَعْضُ
وَالضِّيا يَرْمِي بِهِ الْفَجْرَ الدَّجَى وَلَخِيلُ الصَّبْحِ فِي الظُّلُمَاءِ رَكْضُ
كَأَنَّ اللَّيْلَ غَسِيمٌ مَقْلَعٌ... لَمَعَانِ الْكَأْسِ فِي جَنْبِيهِ وَمَضُ
فِي رِيَاضٍ نَسَجَتْ فِيهَا الصَّبَا
وَلَهَا فِي زَهْرَهَا بَسَطَ وَقَبْضُ

یعنی:

آن ساقی خمار چشم خواب آلود برخاست تا جامهای شراب بگرداند، در حالی که هم بزمان، بعضی خواب بودند و برخی بیدار.
در این هنگام، بامداد با نور خویش بر سپاه تاریکی راند و اسبان صبح در میان لشکر شب تاختند؛ گویی شب همچون ابرهای سیاهی است که دامن خویش را از افق جمع می‌نمود و تابش جام می در کناره‌های افق تیره درخششی داشت.
این مجلس شبانه در میان گلزاری بود که دست باد صبا گل‌هایش را نوازش می‌داد و این سو و آن سو می‌برد.

۶- تخلص: تذکر نام شاعر در پایان شعر بویژه در غزل از ویژگیهای شعر فارسی و در شعر عربی مرسوم نبوده است، اما در شعر عربی خوزستان در این دوره مشاهده می‌شود. از جمله، سید مفلح صیمری (ف ۹۲۵ ه.ق) در مدح اهل بیت «ع» گفته است:

أيا سادتي يا آل بيت محمد «ص»
بگم «مفلح» مستعصم متلزم

همچنین سید شهاب موسوی گفته است:

يا سادتي يا آل طه أن لی دمعا اذا یجری حدیثکم جری
بی منکم کأسمى «شهاب» کلما
أطفیتہ بالذمّع فی قلبی وری

یعنی: ای سروران من! ای خاندان پیامبر اکرم (ص)! مرا اشکی است که چون
نامی از شما برده شود جاری می گردد.

در وجود من همچون نام من «شهابی» است که هر چه آن را با اشک خاموش
می کنم، در قلب من زبانه می کشد.

۷- تضمین آیات شریفه قرآن کریم: *متن در تصویر*

هم العدا بذهاب النور منه و ما
یطفون نوراً یرید الله یظهره

انواع شعر:

شاعران عربی سرای خوزستان، در همه انواع معروف شعر عربی، شعر
سروده اند و در قصیده سرایی آثار خوبی به جا گذاشته اند که در بسیاری از موارد با
قصائد عصر عباسی برابری می کند.

ما در این مقاله نیازی به ذکر انواع شعر نمی بینیم، اما به پدیده نوینی در شعر
خوزستان می پردازیم که شاعران خوزستانی به انواع شعر عرب افزوده اند و به شعر
«بند» معروف است و تاریخ نویسان ادب نیز آن را از ساخته های آنان دانسته اند.

بند:

«بند» نوعی شعر بین نظم و نثر است و یکی از هنرهای ابداعی قرن ۱۱ یا ۱۲ ه.ق می باشد.

سید امین عاملی دمشقی در کتاب «معادن الجواهر و نزهة الخواطر» خود در جلد ۳ صفحه ۵۸۵ در تعریف «بند» می گوید: «بند: قالبی است عجیب (بی سابقه) که گاهی با اوزان شعر موافقت و گاهی از آنها عدول می کند و از ابتکارات اهل حویزه می باشد و در آن قصایدی سروده شده است».

دکتر عبدالکریم دجیلی در کتاب «البند فی الادب العربی» گفته است: «این بندها که در وزن هزج آمده است، از ادب عرفانی و کم نظیر است و با وجود تحقیق و تتبع و استقراء خویش، همانند آنها از حیث صنعت و عمق و زیبایی نیافته ام».

نازک الملائکه شاعر و ناقد معاصر در کتاب خود «قضایا الشعر المعاصر» فصل کاملی درباره بند و عروض آن در شعر عربی آورده است که از جمله می گوید: «بند نوعی شعر است و از ویژگیهای خاصی برخوردار است و این ویژگیها آن را از چهارچوب شعر متعارف خارج می سازد. از جمله ویژگیهای آن، نابرابری طول مصراعهای آن است که در این شعر هر چند تنوع طول مصراعها گویاتر باشد، آهنگ موسیقی و أصالت آن بیشتر می شود. دیگر اینکه در این نوع شعر دو نوع وزن به کار می رود که یکی «رمل» و دیگری «هزج» می باشد و به صورتی هنرمندانه در هم متداخل می شوند.

همچنین دکتر داود سلوم در کتاب «الفکر النقدي فی دراسات نازک الملائکه» می نویسد: «از شکل این نوع شعر پیداست که تحت تأثیر اوزان شعر فارسی قرار گرفته و از بحر «قریب» و بحر «مشاکل» از دوائر منتزعه از دو بحر خفیف و سریع سه بحر «قریب» و «غریب یا جدید» و «مشاکل» را دربرمی گیرد، گرفته شده است و چنین پیداست که «بند» از «مشاکل و قریب» است که تفعلهای آن بر خلاف

یکدیگر به کار می‌رود. زیرا تفعیله‌های بحر «مشاکل» (فاعلاتن، مفاعیلن، مفاعیلن) و تفعیله‌های بحر «قریب» (مفاعیلن، مفاعیلن، فاعلاتن) می‌باشد.

سید حسن شیرازی در کتاب «الادب الموجه» خود چنین می‌گوید: «شعر بند از حیث عروض به شعر معاصر «آزاد» یا «الشعر الحرّ» نزدیک است». سپس می‌افزاید: «شاعر در «بند» دو بحر به کار می‌برد، یکی «هزج» و دیگری «رمل»... زیرا مقلوب «مفاعیلن»، «لنّ مفاعی» و معادل «فاعلاتن» می‌باشد.

از شاعران عربی سرای خوزستان، سید شهاب الدین موسوی و سید علی بالیل موسوی، در این نوع شعر قصاید زیبایی در مضامین مختلف سروده‌اند. در ذیل این مقاله، بند شماره ۱۵۳ از بندهای سید علی بن بالیل موسوی که در دیوان معروف به «قلائد الغید» ایشان آمده است می‌آوریم:

«رَبِّ قَدْ طَالَ عَلَى شِيعَتِهِ الْأَمْرُ فَعَجَلَ مُنْعَمًا مِنْكَ بَأَنْ يَظْهَرَ فِينَا كَظْهَرِ النَّوْرِ فِي
الطُّورِ عَلَى مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَأَنْ يَمْلَأَ مِنْهُ الْأَرْضُ فِي أَيَّامِهِ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا أَنْ
مَلَتْ ظِلْمًا وَجَوْرًا رَبَّنَا قَدْ فَنَى الصَّبْرُ فَلَا تَمْلِكُ صَبْرًا».

یعنی:

خداوندا فرمان ظهور امام زمان (عج) بر شیعه او به طول انجامید، پس نعمتی بر آنان ارزانی دار و در ظهور او تعجیل بفرما تا ظهور کند همچون ظهور نور بر حضرت موسی (ع) در کوه طور سینا تا سراسر زمین را پر از عدل و داد کند همان گونه که پر از ظلم و ستم گردید؛ که صبر ما به پایان آمد و صبری دیگر نمانده است.

نتیجه:

در پایان این مقاله امیدواریم، شعر و ادب عربی شیعی خوزستان که از قرن دوم هجری تا امروز از دریای متلاطم اهل بیت (ع) سیراب شده است، مورد عنایت اهل ادب، اساتید گرانقدر، دانش پژوهان و مسئولان محترم این کشور اسلامی قرار

گرفته و از ده‌ها نسخه خطی آن که در شعر و ادب و علوم مختلف نوشته شده و هم اکنون در گوشه موزه‌ها و کتابخانه‌های، ایران، عراق، ترکیه و چه بسا در دیگر کشورها در انتظار نور نشسته‌اند، آنچه در دسترس است، مورد بررسی و تحقیق قرار گیرد.

منابع و مأخذ:

- ۱- النبهانی الطائی، محمد بن خلیفه، التحفة النبهانیة فی تاریخ الحویزه، مطالمحمودیه، القاهرة.
- ۲- سیبویه، عمر بن عثمان، الکتاب، تحقیق عبدالسلام هارون، ج ۱، ص ۷.
- ۳- دائرةالمعارف الاسلامیه، ترجمه الشتناوی و دیگران، ج ۱۲، ص ۲۸.
- ۴- العزاوی، عباس، تاریخ الادب العربی، ج ۱، ص ۳۳۱.
- ۵- افشار سیستانی، ایرج، خوزستان و تمدن دیرینه آن، ج ۱، ص ۲۴۲.
- ۶- کسروی، احمد، تاریخ ۵۰۰ ساله خوزستان، ص ۲۲.
- ۷- العاملی، محسن الامین، اعیان الشیعه، جزء ۴۶، ص ۱۹۲.
- ۸- کسروی، همان، ص ۲۲.
- ۹- محبوبه، جعفر باقر، ماضی النجف و حاضره، ج ۱، ص ۲۲.
- ۱۰- العلامه الامینی، القدر، ج ۱۱، ص ۳۱۲.
- ۱۱- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۶، اعلام، ص ۲۱۳۶.
- ۱۲- العاملی محمد بن الحسن الحر، امل الآمل، ج ۲، ص ۱۸۷.
- ۱۳- دیوان علی خان بن خلف المشعشعی، تصویر نسخه خطی، برگ شماره ۱۱۹.
- ۱۴- شبر، جاسم حسن، تاریخ المشعشعین، ص ۲۲۹.
- ۱۵- دیوان علی خان بن خلف المشعشعی، تصویر نسخه خطی، برگ ۲۲۹.
- ۱۶- همان کتاب، برگ شماره ۴۲.
- ۱۷- دیوان ابی معتوق (سید شهاب الدین موسوی) ص ۲۲.
- ۱۸- شبر، جواد، ادب الطف، ج ۵، ص ۱۴.
- ۱۹- همان کتاب، ص ۱۲۶.
- ۲۰- دیوان ابی معتوق، ص ۱۷۵، آیه شریفه ۳۲، سورة مبارکه ۹.
- ۲۱- الشیرازی، سید حسن، الادب الموجه، ص ۱۸۹.
- ۲۲- الموسوی، سید علی بالیل، دیوان قلائد الغید، ص ۹.